

عوامل افزایش روزی

مهدی عزیزان



مقدمه

بستگی دارد؛ اما سؤال اینجاست که آیا همه عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش رزق و روزی، در عوامل فردی خلاصه می‌شود؟ و یا خارج از اراده و ویژگیهای فرد انسانها، عوامل دیگری در رزق آنها مؤثر نیست؟ و یا علاوه بر دخالت عوامل فردی، عوامل دیگری خارج از اراده انسان وجود دارد که در کم یا زیاد شدن روزی او دخالت دارند؟

پاسخ این سؤالات مثبت است؛ یعنی علاوه بر عوامل فردی، عوامل دیگری وجود دارند که در روزی افراد تأثیرگذارند. به عنوان مثال، چنانچه

جلب روزی و افزایش یا کاهش آن، معلول علل و عوامل مختلفی است. به عنوان مثال، تدبیر و تلاش فرد، پیگیری، صبر و استقامت او و عواملی از این قبیل در کسب روزی و افزایش و ازدیاد آن مؤثر است و بر عکس، بی‌تدبیری، سستی و تنبلی، بی‌حوصلگی و از میدان به در رفتن در اثر سختی و مشکلات کار، از عوامل فقر و کاهش رزق و روزی است.

عوامل مذکور را می‌توان به عنوان «عوامل فردی» نام‌گذاری کرد؛ چرا که همه آنها به خصوصیات فردی افراد

لطف و حکمت خداوند بر آن قرار گرفته است که پیش از هرگونه سعی و تلاشی از جانب آدمیان، سرمایه‌های اولیه‌ای از قبیل موارد فوق در اختیار انسان قرار گیرد تا با استفاده صحیح از این ارزاق خدادادی، به دنبال روزی خود روان شوند. در واقع، می‌توان گفت که این ارزاق به دنبال انسانها هستند نه انسانها به دنبال آنها و آنها طالب انسانها هستند نه انسانها طالب آنها.

بدون تردید یکی از مصادیق «رزق طالب» که در پاره‌ای از روایات به آنها اشاره شده است، همین نوع از ارزاق است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الرِّزْقُ مَقْسُومٌ عَلَى ضَرَّتَيْنِ أَحَدُهُمَا وَاصِلٌ إِلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ لَمْ يَطْلُبْهُ وَالْآخَرُ مُعَلَّقٌ بِطَلْبِهِ فَالَّذِي قَسِمَ لِلْعَبْدِ عَلَى كُلِّ حَالٍ آتِيهِ وَإِنْ لَمْ يَسْعَ لَهُ وَالَّذِي قَسِمَ لَهُ بِالسَّعْيِ فَيَسْبِغِي أَنْ يَلْتَمِسَهُ مِنْ وُجُوهِهِ وَهُوَ مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ دُونَ غَيْرِهِ»^۱ رزق بر دو نوع است: یک نوع از

روش توزیع ثروت در اجتماع ناعادلانه و نامناسب باشد، هر چقدر افراد این جامعه اهل تدبیر و تلاش و استقامت باشند، به نتیجه کار خود نخواهند رسید و دست‌رنج مناسب خود را دریافت نخواهند کرد.

این‌گونه عوامل که مربوط به سیستم اقتصادی جامعه و جهت‌گیری و اهداف اقتصادی حاکمان آن است، در قالب «عوامل اجتماعی» قابل بحث و بررسی است. در این شماره، تنها به کار و تلاش که یکی از عوامل فردی افزایش روزی است، می‌پردازیم و عوامل دیگر را در شماره بعد بررسی می‌کنیم.

کار و تلاش

بعضی از روزی‌های مادی و معنوی، بدون هیچ‌گونه کوشش و تلاشی از سوی انسان به او ارزانی می‌شود و به منزله سرمایه کسب روزی آدمیان به شمار می‌رود. عقل و هوش و استعداد، توانایی و سلامت جسمانی، تابش خورشید و بارش باران، حاصلخیزی خاک، هوای سالم برای تنفس و... از این جمله‌اند.

۱. الفصول المهمة فی اصول الأئمة، شیخ حرّ عاملی، تحقیق محمد بن محمد حسین قائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۸

و عبادتی بزرگ شمرده شده است. پیشوایان دینی ما، آنجا که با برداشتهایی ناصواب از ضمانت رزق انسانها از جانب خداوند مواجه می‌شدند، به شدت با این افکار برخورد کرده، به سرزنش آنها می‌پرداختند. امام صادق علیه السلام هنگامی که از حال یکی از اصحاب خود جويا شدند و پاسخ شنیدند که در خانه خود مشغول عبادت است و زندگی او را عده‌ای از مسلمانان تأمین می‌کنند، فرمودند: «وَاللَّهِ لَلَّذِي يَقْوُتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ»^۱ به خدا سوگند کسی که زندگی او را تأمین می‌کند، عابدتر از اوست.»

کسانی که به بهانه عبادت و یا به دلیل تنبلی و کسالت زحمت خود را بر دوش سایر مردم می‌اندازند، مورد لعن و نفرین عابدترین انسان یعنی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرار گرفته‌اند.^۲ امام صادق علیه السلام به صراحت اعلام

آن به صاحبش می‌رسد، گرچه آن را طلب نکند؛ اما نوع دیگر به طلب انسان وابسته است. نوع اول که برای انسان تقدیر شده، در هر حال به او خواهد رسید، گرچه برای به دست آوردنش تلاش نکند؛ اما نوع دوم که با سعی انسان برای او مقدر شده، سزاوار است که انسان از راههای خودش طلب کند و آن رزقی است که خداوند برای آن شخص حلال کرده است نه غیر او.»

البته، گرچه کار و تلاش انسان در کسب این ارزاق طلب نشده مؤثر نیست؛ اما در حفظ، نگهداری و استفاده بهینه از آنها قطعاً مؤثر است. انسان می‌تواند با تلاش و تدبیر خود، از امکانات خدادادی به خوبی استفاده کرده، بازده آنها را افزایش دهد و یا برعکس، با بی‌تدبیری و تنبلی خود، آنها را هدر داده، باعث تضییع آنها شود.

۱. کار و عبادت

در فرهنگ اسلامی، کار و تلاش برای امرار معاش و گذران زندگی، نه تنها امری مذموم و دنیاپرستانه تلقی نشده، بلکه امری مقدس، خدایستدانه

۱. وسائل الشیعة، ۳۰ جلدی، شیخ حرّ عاملی، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۵.
 ۲. همان، ص ۳۲: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَلْعُونٌ مَنْ أُلْفِيَ كَلَّةً عَلَى النَّاسِ.

می‌افتد، همچون مجاهد فی سبیل الله به عبادت مشغول است؛ چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَلْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳

از نظر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله عبادت هفتاد بخش است که برترین آنها به دست آوردن رزق حلال می‌باشد: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ»^۴

بنا به فرموده امام باقر علیه السلام: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَسَعْيًا عَلَى أَهْلِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»^۵ کسی که برای بی‌نیازی از مردم، تأمین زندگی خانواده و رسیدگی به همسایه خود به دنبال مال دنیا برود، در حالی خداوند را در قیامت ملاقات خواهد کرد که چهره او مانند ماه شب چهارده، نورانی خواهد بود.»

در مقابل، از نظر امام صادق علیه السلام

فرمود: «إِنِّي لِأَبْغُضُ الرَّجُلَ فَأَغْرَأَ فَأَهْ إِلَى رَبِّي فَيَقُولُ اِرْزُقْنِي وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ»^۱ من از کسی که کسب روزی را رها کرده و لب به دعا می‌گشاید و می‌گوید خداوندا روزی مرا برسان، ناخشنود و ناراحتم.»

پیشوایان معصوم ما، نه تنها ناراحتی خود را از دعا کردن افراد به جای کار کردن آنها اعلام می‌کردند، بلکه از دعا نمودن برای رزق و روزی این افراد خودداری می‌نمودند و آنان را به کار و تلاش فرا می‌خواندند. به عنوان نمونه، هنگامی که فردی از امام صادق علیه السلام درخواست می‌کند که در حق او دعا کنند تا خداوند روزی او را به راحتی برساند، امام درخواست او را رد کرده، پاسخ می‌دهند: «لَا أَدْعُو لَكَ. أُطَلِّبُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۲ برای تو دعا نمی‌کنم. آن چنان که خداوند متعال به تو دستور داده است، جويا [ی رزق خود] باش.»

بر این اساس، «دعا» جایگزین

«کار» نیست؛ بلکه مکمل آن است.

در فرهنگ اسلامی کسی که برای

تأمین هزینه خانواده خود به زحمت

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۲۱.

۵. همان، ص ۲۱.

اختصاص یافته است که نقل همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

۲. کار و عقل

یکی دیگر از فواید کار، «تقویت عقل آدمی» است. البته منظور از این عقل، عقل فلسفی، استدلالی و نظری نیست؛ بلکه منظور «عقل معاش» یا عقل عملی انسان است.

عقل معاش، همان عقل اقتصادی - اجتماعی است که به فرد توانایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌دهد. بدین معنا که کسی که در متن اجتماع و درگیر و دار تلاش اقتصادی حضور داشته باشد، مردم را بهتر می‌شناسد، کم‌تر فریب می‌خورد، بیشتر سود می‌برد و در برخورد با افراد گوناگون و حوادث رنگارنگ روزگار، تصمیمات پخته‌تری می‌گیرد. راه کسب یا تقویت این عقل، شرکت در کلاسهای درس حوزه و دانشگاه و برخورداری از تحصیلات عالی

کسانی که در اثر سستی و تنبلی از تأمین زندگی خود سر باز می‌زنند، مورد سرزنش قرار گرفته و ناتوان‌تر از مورچه خوانده شده‌اند؛ چرا که مورچه برای گذران زندگی خود، دانه‌ها را به لانه خود می‌کشد: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ مِثْلَ النَّمْلَةِ فَإِنَّ النَّمْلَةَ تَجْرُ إِلَى جُحْرِهَا»^۱ آیا کسی از شما ناتوان است مانند مورچه باشد. همانا مورچه [دانه‌ها را] به لانه‌اش می‌کشد.

امام علی عليه السلام بارها فرمود کسی که «آب و خاک» در اختیار داشته باشد و در عین حال در فقر به سر برد، نشان آن است که خداوند او را از رحمت خود دور کرده است: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»^۲ کسی که آب و خاک بیابد و پس از آن فقیر باشد، خداوند او را [از رحمتش] دور کرده است.

در روایات نقل شده از پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله و پیشوایان معصوم عليهم السلام تأکید بر عبادی بودن کار و اهمیت و ضرورت آن، به اندازه‌ای است که در مجامع روایی ما، بابی تحت عنوان «إِسْتِحْبَابُ طَلَبِ الرِّزْقِ وَوُجُوبُهُ مَعَ الضَّرُورَةِ»^۳ به ذکر این روایات

۱. همان، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. به عنوان نمونه ر. ک: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۹ به بعد.

زندگی می‌کنم و از ثروت کافی برخوردارم. آیا مصلحت می‌دانید تجارت را رها کنم؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند: «إِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ قَلَّ عَقْلُكَ»^۱ اگر چنین کنی، عقلت به کاستی خواهد رفت.»

بنابراین، کسب درآمد و سود اقتصادی، تنها یکی از اهداف تجارت است و مهم‌تر از آن، کسب مهارت معیشت و تعامل با مردمان است که خود سرمایه‌ای گران‌بها است.

این سرمایه، حتی در مسائل غیراقتصادی، مانند: مسائل اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و... کارآمد است و انسان را از موفقیت‌های بیشتری برخوردار می‌کند.

۳. کار و موقعیت اجتماعی

از جمله امتیازات ارزشمند کار و فعالیت اقتصادی، برخورداری از

نیست؛ بلکه روش آن، درگیر شدن با مسائل پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که در خلال آن، فرد برای پیشگیری از هرگونه ضرر و فریبی در حق خود، مجبور است تمام توان خویش را به کار گیرد و از حقوق و منافع خود دفاع کند. این‌گونه است که کم‌کم مهارت تدبیر همراه با «تجارت و تلاش» به دست می‌آید و به موازات بالا رفتن درصد موفقیت او، درصد آسیب‌پذیری‌اش کاهش می‌یابد.

در روایات ما، علاوه بر آنکه به صراحت، تجارت باعث افزونی عقل آدمی شمرده شده است،^۱ در نقطه مقابل آن، ترک تجارت موجب از بین رفتن عقل آدمی دانسته شده است.^۲

اهمیت این ویژگی در حدی است که حتی در صورت عدم نیاز به سود و درآمد، صرف کار کردن برای بالا رفتن تجربه و مهارت زندگی امری لازم و ضروری است. شاهد این مدعا، مشورتی است که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام معاذ بن کثیر با آن حضرت انجام می‌دهد. وی به حضرت عرض می‌کند که اکنون من به راحتی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲: «أَلْفَجَازَةُ تَرْبِيْدُ فِي الْعَقْلِ»

۲. من لا یحضره الفقیه (۴ جلدی)، شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۲: «تَرْكَ التَّجَاوِزِ مَذْهَبَةٌ يَلْعَقُ»

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۴.

رها کردن بازار و استفاده از ثروت موجود خویش امام را آگاه می‌کند، امام علیه السلام او را از این کار برحذر می‌دارند: «إِذَا يَسْقُطُ زَأْيُكَ وَلَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ؛^۱ اگر چنین کنی، نظر و رأی تو [در بین مردم بی‌ارزش] و ساقط می‌شود و بر هیچ کاری از تو طلب حمایت نمی‌شود.»

۴. ویژگی‌های کار مطلوب

گذشته از اهمیت و ارزش کار، در مورد زمان و نحوه انجام کار، نکات مفید و مهمی در روایات مورد توجه قرار گرفته است. این نکات به اختصار عبارت‌اند از:

الف. کار روزانه

از نظر قرآن، روز برای «کار و تلاش» و شب برای «استراحت و آرامش» قرار داده شده است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا؛^۲ «او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد و

کسانی که به بهانه عبادت و یا به دلیل تنبلی و کسالت زحمت خود را بر دوش سایر مردم می‌اندازند، مورد لعن و نفرین عابدترین انسان یعنی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرار گرفته‌اند

موقعیت و منزلت اجتماعی در بین مردم است. این امتیاز حتی در جایی که نیاز اقتصادی به کار کردن وجود نداشته باشد، به تنهایی ارزش است و برای برخورداری از این ارزش باید کار کرد. شاهد این ادعا روایاتی است که در خلال آنها، پیشوایان معصوم کسانی را که به دلیل بی‌نیازی اقتصادی از کار و تلاش دست کشیده‌اند، سرزنش نموده، آنان را به کار و تجارت تشویق کرده‌اند.

وقتی که فردی از تصمیم خود بر

۱. الکافی (۸ جلدی)، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، بی‌جا، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۳۷۱.
۲. فرقان / ۴۷.

معصوم علیه السلام، خواب بین الطلوعین مورد سرزنش قرار گرفته و استفاده از این وقت برای هرگونه عبادتی از جمله عبادت تأمین معاش مورد تأکید واقع شده است.

امام صادق علیه السلام در حدیث دلنشینی پس از ابلاغ سلام خود به همه شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام و توصیه آنان به رعایت تقوای الهی، سفارش فرمودند: «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَمْرُكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسَنَا فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِحْتِهَادِ وَإِذَا صَلَّيْتُمْ الصُّبْحَ فَأَنْصَرِفْتُمْ فَبَكَّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ»^۱ به خدا سوگند من به شما امر نمی‌کنم، جز آنچه که خود را نیز بدان امر می‌کنیم. پس بر شما باد که جدیت و کوشش کنید و پس از نماز صبح برای طلب رزق خود حرکت کرده، رزق حلال به دست آورید. خداوند به شما روزی خواهد داد و شما را بر آن کمک خواهد کرد.»

در نگاه امامان معصوم علیهم السلام نه تنها اصل کار کردن موجب عزت و

خواب را مایه استراحت و روز را وسیله حرکت و حیات.»

براساس این آیه شریفه و آیات مشابه، ویژگی تکوینی روز و امتیازی که دستگاه خلقت برای روز قرار داده است، زمینه بیشتر آن برای تلاش و تکاپو و انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و ویژگی تکوینی شب، آمادگی بیشتر آن برای استراحت، آرامش و انجام عبادت است.

البته نکته مذکور بیانگر اصل اولیه است و در صورت ضرورت و اضطرار، کار شبانه توجیه پذیر است. بنا به توصیه امام باقر علیه السلام: «إِذَا طَلَبْتُمْ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوها بِالنَّهَارِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْحَيَاءَ فِي الْعَيْنَيْنِ وَإِذَا تَزَوَّجْتُمْ فَتَزَوَّجُوا بِاللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا»^۱ برای برآوردن نیازهای [اقتصادی و اجتماعی] خود در روز اقدام کنید؛ چرا که خداوند حیا را در چشمها قرار داده. و برای ازدواج، در شب اقدام به ازدواج نمایید؛ چرا که خداوند آرامش را در شب قرار داده است.»

ب. کار از صبح زود

در روایات متأثر از امامان

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۲۲.

خورشید تقسیم می‌شود و خداوند بلند مرتبه برای امت مسلمان، برکت را در صبح زود قرار داده است. در این وقت صدقه دهید، که بلا از صدقه عبور نمی‌کند.»

ج. تخصص‌گرایی

تخصص‌گرایی، مهارت‌ورزی در رشته‌ای خاص و پرهیز از تغییر مکرر شغل از عوامل مهم جلب روزی است. چه بسیارند انسانهایی که استعداد و علاقه خود را نمی‌شناسند و در تعیین شغل ثابتی برای خود دچار تزلزل هستند. اینان گرچه ممکن است از سرمایه عمر و مال بهره بگیرند و زحمات فراوانی را تحمل کنند، اما به دلیل عدم مهارت و تخصص در رشته‌ای خاص و استاد نشدن در آن رشته، همیشه نیروی کار درجه دوم و سوم محسوب می‌شوند و قادر به استفاده کامل از سرمایه به کار گرفته و

سربلندی مؤمنان است، بلکه به ویژه کار از اولین ساعات بامداد، حافظ عزت و سربلندی آنان می‌باشد.

امام صادق علیه السلام هنگامی که مشاهده کردند یکی از اصحاب با تأخیر به سمت محل کار خود حرکت می‌کند، به او توصیه فرمودند: «أَعْدُدْ إِلَيَّ عِزَّكَ»^۱ صبح زود به سوی عزت بشتاب.»

همچنین آن حضرت به یکی از اصحاب خود فرمودند: «يَا عَبْدَ اللَّهِ احْفَظْ عِزَّكَ»^۲ ای بنده خدا! عزت خود را حفظ کن! آن مرد عرض کرد: فدای شما شوم! عزت من در چیست؟ آنگاه حضرت فرمود: «عُدُّوْكَ إِلَيَّ سُوقَكَ وَإِكْرَامَكَ نَفْسَكَ»^۳ صبح زود به بازار [محل کار] رفتن و شخصیت خود را محترم شمردن.»

در روایت دیگری، امام باقر علیه السلام چنین توصیه نمودند: «إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَأَعِدْ فِيهَا فَإِنَّ الْأَزْوَاقَ تُقَسَّمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَارِكَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي بُكُورِهَا وَتَصَدَّقَ بِشَيْءٍ عِنْدَ الْبُكُورِ فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَنْحَطُّ الصَّدَقَةَ»^۴ اگر نیاز [و کاری] دارید، برای انجام آن صبح زود اقدام کنید، چرا که روزیها قبل از طلوع

۱. همان، ج ۱۲، ص ۳.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۵.

۴. الامالی، شیخ مفید، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ص ۵۴ و نیز ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۸.

بهره‌برداری مناسب از آن نیستند. حضرت یوسف علیه السلام، هنگامی که از پادشاه مصر می‌خواهد او را به منصب وزارت دارایی منصوب کند، دو ویژگی «حفیظٌ علیم» یا «تعهد و تخصص» را دلایل شایستگی خود برای احراز این پست معرفی می‌کند:

«قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛^۱ «[یوسف] گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین [مصر] قرار ده که نگهدارنده و آگاهم.»

قرآن کریم در دستور العملی کلی، مسلمانان را از «رشته کردن پنبه‌های ریسیده» و هدر دادن زحمات گذشته برحذر می‌دارد. یکی از مصادیق بر باد دادن زحمات و اندوخته‌های پیشین، تغییر شغل‌های بی‌منطق و غیرضروری و انتخاب شغل‌های بی‌حساب و بدون تدبیر است.

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَقَتْ غُرْلُهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْ كُنْتُمْ»؛^۲ «همانند آن زن [سبک مغز] نباشید که پشمهای تابیده خود را پس از استحکام و ا می‌تابد.»

امام صادق علیه السلام نیز به صراحت، رضایتمندی خود را از «حرفه‌مندی»

افراد در کسب روزی خود اعلام می‌دارند: «إِنِّي لِأَجِبُّ أَنْ أَرَى الرَّجُلَ مُتَحَرِّفًا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ»^۳ من دوست دارم مرد در طلب رزق، حرفه‌مند و ماهر باشد.»

علی علیه السلام نیز ضمن توصیه به کار و تجارت و بی‌نیاز شدن از کمک مادی مردم، بر دو ویژگی «تعهد و تخصص» یا «حرفه‌مندی و امین بودن» تأکید می‌ورزد: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُتَحَرِّفَ الْأَمِينَ الْمَعْتَبُونَ غَيْرَ مَخْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ»^۴ تجارت کنید که تجارت کردن موجب بی‌نیازی از آن چیزی است که در دست مردم است. خداوند حرفه‌مند امین را دوست دارد. فرد مسخوبون [که در معاملات اقتصادی فریب می‌خورد] نه مورد ستایش است و نه در خور پاداش.»

همراه شدن ویژگی حرفه‌مندی (تخصص) در کنار امانتداری (تعهد)

۱. یوسف/۵۵.

۲. نحل/۹۲.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۸.

۴. همان، ص ۱۱.

مشارکت اقتصادی یکی از عوامل زمینه‌ساز جلب رزق و روزی معرفی شده است.

بنا به توصیه‌ی علی علیه السلام: «شَارِكُوا الَّذِي قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ فَإِنَّهُ أَخْلَقَ لِلْفَيْئِ وَأَجْدَرَ بِإِقْبَالِ الْحِطِّ عَلَيْهِ»^۱ با کسی که روزی به او روی آورده است شریک شوید که برای غنی شدن مؤثرتر و برای روی آوردن سود و منفعت، سزاوارتر است.»

ه اشتغال به کارهای بزرگ

عزت و کرامت مؤمن، مقتضی آن است که در همه امور زندگی از پرداختن به امور جزئی و کم‌اهمیت بپرهیزد و وقت و همت خود را صرف کارهای بزرگ و اساسی کند و پیگیری امور جزئی را به دیگران بسپارد.

مصادق این نکته حکیمانه و عزت‌مندانه در امور اقتصادی و معیشتی، آن است که مؤمنان با کرامت، از خرید و فروش اشیای خرد، دوره‌گردی و دست‌فروشی بپرهیزند و سرمایه‌ی عمر و ثروت خود را در

حاوی این نکته است که در معاملات اقتصادی و بازار تجارت، صرفاً امین و متعهد بودن و اهل دزدی و خیانت نبودن کافی نیست. علاوه بر آن، برای موفقیت در فعالیتهای اقتصادی باید متخصص و ماهر بود. در غیر این صورت، هر لحظه امکان شکست اقتصادی و مغبون شدن وجود دارد.

بازار تجارت، محیطی پیچیده و تو در تو است که هر کس از توان لازم برخوردار نباشد، فریب خواهد خورد و صرف سلامت روحی تاجر، موجب موفقیت اقتصادی او نخواهد شد.

فرد مغبون نه ستایش دنیوی مردم را در پی دارد و نه از اجر اخروی برخوردار است. در پی آمدن کلمه «مغبون»، بلافاصله بعد از ویژگی «متحرف امین» مفید همین نکته است.

د. مشارکت با روزی‌داران

همچنان که با «مشورت» می‌توان از عقل و تجربه دیگران بهره گرفت، با «مشارکت» اقتصادی نیز می‌توان از سرمایه‌اندوخته دیگران سود جست و حرکت اقتصادی خود را سرعت بخشید؛ از اینرو، در روایات ما

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، با ترجمه ناصر مکارم شیرازی، حکمت ۲۲۲.

بنابراین، کسب درآمد و سود اقتصادی، تنها یکی از اهداف تجارت است و مهم‌تر از آن، کسب مهارت معیشت و تعامل با مردمان است که خود سرمایه‌ای گران بها است

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيَكْرَهُ سُفْسَاقَهَا^۱ خداوند از هر چیزی نوع والا و عالی آن را دوست دارد و از نوع پست و کم اهمیت آن ناخرسند است. این حدیث شریف که بیانگر قاعده‌ای کلی است، باید برای همیشه و در همه امور فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نصب العین مؤمنان قرار گیرد، تا همت بلند دارند و در هر کار و موضوعی به دنبال فتح قله‌ها باشند و نه پرسه زدن در دامنه‌ها.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۳.

۲. همان.

در بخش تجارت کتاب ارزشمند فعالیت‌های اقتصادی بزرگ و اساسی به کار گیرند.

«وسائل الشیعة» بابی تحت عنوان «بَابُ اسْتِخْتِابِ مُبَاشَرَةِ كِبَارِ الْأُمُورِ كِشْرَاءِ الْعَقَارِ وَالرَّقِيقِ وَالْإِبِلِ وَالْإِسْتِثْنَاءِ فِيمَا سِوَاهَا وَاخْتِيارِ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَتَرْكِ حَقِيرِهَا» گشوده شده است که روایاتی چند را در این زمینه در خود جای داده است.

از جمله آنکه امام صادق علیه السلام در توصیه‌ای به یکی از یاران خود فرمود: «لَا تَكُونَنَّ دَوَّارًا فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا تَلِ دَقَائِقَ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَرْءٍ الْمُسْلِمِ ذِي الْحَسَبِ وَالدِّينِ أَنْ يَلِيَّ شِرَاءَ دَقَائِقِ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِهِ مَا خَلَا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ... الْعَقَارَ وَالرَّقِيقَ وَالْإِبِلَ»^۱ هرگز در بازارها پرسه مز و [تهیه] اشیای کوچک را خودت پیگیری نکن؛ چرا که برای مسلمانان دیندار و با شخصیت، شایسته نیست خودش اقدام به خرید اشیای جزئی کند مگر نسبت به سه چیز... خرید ملک (زمین و خانه)، اشیای ظریف و شتر.»

امام صادق علیه السلام در توصیه دیگری خطاب به کمیت اسدی فرمودند: «إِنَّ